

فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۴، شماره ۵۲، تابستان ۱۴۰۱، صص ۷۰-۸۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۲

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2022.692014](https://doi.org/10.30495/dk.2022.692014)

بررسی مؤلفه‌های کم‌خردی در شخصیت مسعود غزنوی بر اساس مدل سه بُعدی خرد

آردلت

مرضیه مشعلیان^۱، دکتر لیلا هاشمیان^۲

چکیده

خرد مقوله‌ای است که علاقه به آن در حوزه روان‌شناسی به سرعت رو به فزونی است و در طول دو دهه گذشته، پژوهش‌های روان‌شناسی پیرامون خرد به شدت از نظر کمیت رشد یافته است. مدل‌های علمی خرد و پژوهش‌های انجام گرفته در مورد ویژگی‌های خردمندان همگی بر وجود یک عامل شناختی و یک توازن فکری در همه خردمندان توافق دارند و ضعف و کاستی در هر یک از عوامل را منجر به رفتار بی‌خردانه می‌دانند. با وجود اینکه مفهوم خرد، خردمندی و خردمند واژه‌های شناخته شده در میان مردم فرهنگ‌های مختلف هستند و هر یک از افراد فرهنگ‌های مختلف براساس جهان‌بینی خود به توصیف خرد می‌پردازند، همچنان مشاهده می‌کنیم که بسیاری از افراد جوامع در مسائل سیاسی، اجتماعی، روان‌شناختی و به طور کلی در زندگی، مسیرهای نادرست را طی کرده و زمینه آسیب‌پذیری را برای خود و دیگران فراهم می‌کنند. تاریخ مملو از بی‌خردی رهبران است و انسان در حکومت بیش از هر رشته دیگر از فعالیت‌های بشری از خود بی‌کفایتی و بی‌خردی نشان داده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی مؤلفه‌های کم‌خردی در شخصیت سلطان مسعود غزنوی، در تاریخ بیهقی و براساس نظریه سه بُعدی خرد آردلت صورت گرفته است. این پژوهش براساس تحلیل محتوا و منابع کتابخانه‌ای و در چارچوب رویکرد کیفی انجام شده است و جامعه آماری آن کتاب «تاریخ بیهقی» می‌باشد که از طریق نمونه‌گیری هدفمند، شخصیت سلطان مسعود به عنوان فرد کم‌خرد براساس نظریه خرد سه‌بعدی آردلت، برگزیده شده است.

کلیدواژه‌ها: خردمندی، کم‌خردی، نظریه خرد سه بُعدی آردلت، تاریخ بیهقی، سلطان مسعود غزنوی.

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.

^۲ دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. (نویسنده مسؤول)



مقدمه

پیچیدگی مفهوم خرد براساس فرهنگ‌ها منجر به این شده است که تاکنون تعریف جامعی از خرد، از سوی نظریه پردازان بیان نشود، با این وجود در این زمینه که خردمندی مشتمل بر دانش شناختی، درک و بینش، تفکر تأملی، تلفیق دیدگاه فرد و منافع فرد در تعامل با منافع و رفاه دیگران است نوعی توافق کلی وجود دارد. در واقع خرد برخورداری از بینش عمیق و قضاوت درست درباره ماهیت انسان، مسائل و مشکلات اساسی او در زندگی و روش‌های برنامه‌ریزی و مدیریت یک زندگی خوب است. یکی از شناخته‌شده‌ترین الگوهای نظری در حوزه خرد، مدل سه‌بعدی خرد است؛ این مدل توسط مونیکا آردلت و براساس پژوهش کلیتون بیرن تدوین شده است. خرد در این مدل به عنوان یک ویژگی شخصیتی تعریف می‌شود که در آن سه بُعد شناختی تأملی و عاطفی با یکدیگر یکپارچه شده‌اند. خانم آردلت استاد جامعه‌شناسی دانشگاه فلوریدا و عضو هیئت علمی پایه و عضو کمیته مرکز سلامت دانشگاه فلوریدا است. وی مدرک کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه یوهان ولفگانگ گوته (فرانکفورت آلمان) و مدرک دکترای خود را از دانشگاه Chapel Hill (کارولینای شمالی آمریکا) دریافت کرده است. شهرت وی بیشتر مرهون مدل سه بُعدی خرد است که در سال ۲۰۰۳ آن را مطرح کرد. براساس این نظریه تأمل، شناخت و عاطفه سه بُعد خردمندی را تشکیل می‌دهد؛ بُعد شناختی به میزان شایستگی فرد در تفکر عمیق و درک پیرامون وجود و حیات انسان می‌پردازد. بُعد تأملی بیشتر در نقش فرد در مشکلات، اتخاذ دیدگاه‌های مختلف در مورد مسائل و در نظر گرفتن دیدگاه در مناقشات اشاره دارد. بُعد عاطفی شامل عواطف و رفتارهای مثبت نسبت به دیگران و شفقت و دلسوزی نسبت به افراد دارای شرایط سخت است. از نظر وی وجود هر سه بُعد برای خردمندی فرد الزامی است و تا زمانی که افراد دانش مرتبط با خردمندی را از طریق تأمل بر تجربیات شخصی به خردمندی تبدیل نکنند، این مفهوم به صورت یک دانش نظری باقی می‌ماند. دیدگاه سه‌بعدی آردلت با سنت‌های فلسفی و دینی شرقی که خردمندی را حاصل تلفیق ذهن و فضیلت در سطح شخصی می‌دانند سازگار است. آردلت بر این باور است که می‌توان خردمندی را به طور غیرمستقیم از طریق شاخص‌های شناختی، تأملی و عاطفی به عنوان عناصر ضروری متغیر نهفته خردمندی بررسی کرد. از طرفی، خرد یک پدیده انتزاعی و ذهنی نیست که فقط در اندیشه فرد و گفتگوهای وی حضور داشته باشد، خرد باید در اعمال

فرد دیده شود. یانگ نیز معتقد است، فرد زمانی به خرد دست پیدا می‌کند که بتواند آن را در امور روزمره خود، تصمیم‌های زندگی، رفتار با دیگران، خانواده و محل کار و خلاصه در هر آنچه به زندگی واقعی مربوط می‌شود، نشان دهد. و به دلیل اینکه شرط اساسی برای خردمندی، ظاهر شدن آن در بافت زندگی واقعی فرد است، ممکن است رفتارهای فرد در موقعیت‌های گوناگون از نظر درجه خردمندی با یکدیگر متفاوت باشد. وبستر نیز معتقد است، خرد و نقطه مقابل آن بی‌خردی در حکومت و رهبری نسبت به سایر حوزه‌ها نقش گسترده‌تری ایفا می‌کند؛ زیرا تصمیمات رهبران بر کیفیت زندگی پیروان آن‌ها و یا در بعضی موارد بر خود زندگی پیروان (مثل زمانی که تصمیم به جنگ یا صلح می‌گیرند) تأثیر می‌گذارند. بازابا تاکن در کتاب تاریخ بی‌خردی می‌نویسد: «تاریخ مملو از بی‌خردی رهبران است و انسان در حکومت بیش از هر رشته دیگر از فعالیت‌های بشری از خود بی‌کفایتی نشان داده است.» وی معتقد است: خرد، زاده قدرت است. قدرت آمرانه باعث نقص تفکر می‌شود و هرچه اعمال قدرت افزایش یابد، احساس مسئولیت در قبال آن بیشتر رنگ می‌بازد و سوء حکومت وقتی بی‌خردی محسوب می‌شود که در سیاستی آشکارا به صورت غیرعملی یا بی‌ثمر لجاجت ورزیم. تاکن در مرور تاریخی خود از اعمال بی‌خردانه ی پاپ‌های رنسانس، علت این‌گونه اعمال را در سه ویژگی برجسته نادیده گرفتن خشنودی بالنده مردم، مقدم شمردن قدرت طلبی و توهم آسیب‌ناپذیری جاه و مقام می‌داند. بی‌خردی‌های انسان در طول تاریخ سبب شده است انسان حتی محیط‌زیست و محل زندگی خود را تخریب و به نابودی نزدیک کند. در سمپوزیوم «بقا در قرن بیست و یکم» (۱۹۸۹) که نتایج آن به عنوان بیانیه ونکوور منتشر شد این وضعیت به روشنی شرح داده شده است.

از آنجا که پیوند عمیقی بین روان‌شناسی و ادبیات وجود دارد، اگر بخواهیم با دیدی روان‌شناسانه ملت یا قومی را ارزیابی کنیم، بدون مطالعه ادبیات آن ملت راه به جایی نمی‌بریم. بررسی متون ادبی فارسی با نگاه روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه، سیاسی، دینی و... نه تنها به شناسایی مؤلفه‌های کم‌خردی و بی‌خردی در تاریخ حکومت‌ها و فرهنگ‌ها منجر می‌شود، بلکه زمینه را برای پیشگیری نشانه‌های کم‌خردی در فرهنگ و زندگی فراهم می‌کند و اندیشمندان و متفکران را وا می‌دارد که علاوه بر شناخت نشانه‌های کم‌خردی، بستری برای رشد انسان به سوی خردمندی ایجاد کنند.

می‌دانیم که تاریخ بیهقی یکی از اُمّهات متون نثر فارسی است و از دیرباز، پژوهشگران به مطالعه و بررسی جنبه‌های مختلف آن پرداخته‌اند. این تحقیقات غالباً در دو حیطه کلی بوده است: ۱- از دیدگاه تاریخی و کارکرد تاریخی آن ۲- مطالعات ادبی و بررسی‌های زبان‌شناسانه و ویژگی‌های خاص زبانی و سبکی و این در حالی است که ساختار کتاب و حوادث و شخصیت‌های آن چنان است که می‌توان از نظرگاه‌های گوناگون مورد مطالعه‌اش قرار داد و درباره‌اش ممکن است کتابی هم بدان تفصیل پرداخت. بنابراین، این کتاب امکان و قابلیت بررسی از منظر روان‌شناسی و نظریه‌های جدید این علم را نیز داراست و برای یافتن مصداق‌های عینی مباحث «روان‌شناسی خرد» بسیار شایسته و مناسب است. به نظر می‌رسد بررسی مفهوم خردمندی و کم‌خردی در تاریخ بیهقی براساس شخصیت‌های آن، و به دلیل تاکید نویسنده کتاب بر لزوم به کارگیری عقل و خرد، بتواند ما را به درک و شناخت بهتری از مفهوم خردمندی و کم‌خردی براساس بافت فرهنگی ایرانی برساند. بیهقی در مباحث خود در حوزه تاریخ‌نگاری و داستان‌نویسی دارای نگاهی خردمندانه به هستی و اتفاقات آن است و همواره در جای جای اثر خود همنشینی با خردمندان را می‌ستاید. اهمیت خرد در نظر بیهقی تا جایی است که بی‌خردی را عامل مهم سقوط دولت غزنوی می‌شمارد. یکی از این شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار «تاریخ بیهقی»، مسعود غزنوی است؛ بیهقی به سلطان مسعود علاقه خاصی دارد و ارزش و احترام فراوانی برای او قائل است در عین حال شخصیتی که بیهقی از مسعود ارائه می‌دهد، پیچیده، پرابهام و متناقض است. شخصیت مسعود در این کتاب، غرق تصاویر و تعبیر سخت پیچیده و گاه متضاد و متفاوت است. بیهقی گاهی استبداد و خودسری او را به طور مستقیم به عنوان ویژگی منفی شخصیت او بیان می‌کند و گاهی با برشمردن مهارت‌های او در جنگ، دبیری، مهندسی و... چهره‌ای مثبت از او به نمایش می‌گذارد.

ویژگی‌هایی چون علاقه فراوان به عیش و نوش و خوشگذرانی، مال‌دوستی، توطئه‌گری و بیش از همه استبداد رأی و خودسری، ویژگی‌های ثابت و خطوط اصلی شخصیت مسعود است که در احساس، عمل و اندیشه او در سراسر اثر به چشم می‌آید. بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که چه رفتارهایی از نظر بیهقی مصداق کم‌خردی و نابخردی است؟ عملکرد سلطان غزنوی دارای چه مؤلفه‌هایی بوده است که بیهقی و سایر اشخاصی که در ارتباط مستقیم با او بوده‌اند، علی‌رغم ارادتی که به وی داشته‌اند، او را فاقد درایت و خردمندی معرفی می‌کنند؟ و

این مؤلفه‌ها تا چه اندازه با نظریه روان‌شناسانه مدل سه‌بعدی خرد آردلت مطابقت دارد؟

پیشینه تحقیق

از حدود دو سه دهه اخیر موضوع خرد و خردمندی وارد مباحث و پژوهش‌های تجربی در عرصه‌های مختلف روان‌شناسی شده است و نظریه‌پردازان مختلف با توجه به جهت جهت‌گیری فلسفی خود و حیطه‌ای که در روان‌شناسی بر آن متمرکزند، به تعریف این مفهوم پرداخته‌اند. روان‌شناسی تربیتی نیز با بهره‌گیری از این مفهوم نظریه‌ها و شیوه‌هایی کاربردی برای آموزش این فضیلت ارائه کرده است. سمانه اسعدی، شعله امیری، حسین مولوی و خسرو باقری نوع‌پرست در مقاله‌ای با عنوان «معرفی مفهوم خردمندی در روان‌شناسی و کاربردهای آموزشی آن» در مجله رویکردهای نوین آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان، سال هشتم، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۲۸-۱ به معرفی و مقایسه اجمالی سه نظریه جامع و جدید در این زمینه، نظریه تعادلی خردمندی، پارادایم خردمندی برلین و مدل سه‌بعدی خردمندی پرداخته‌اند و به برخی نظرها و یافته‌ها در زمینه آموزش خردمندی اشاره کرده‌اند. رسول گُرد نوقابی و آرزو دلفان بیرانوند در پژوهشی با عنوان «دیدگاه سالمندان در مورد خرد و مؤلفه‌های آن» در مجله روان‌شناسی پیری، دوره ۱، شماره ۳، سال ۱۳۹۴، صص ۱۶۷-۱۵۷ نشان داده‌اند که مفهوم خرد را می‌توان در قالب چهار شکل مختلف «دینداری، همدلی/حمایت، شناخت/علم و شخصیت» بیان کرد. همچنین خدا بخش اسدالهی و الهه شاه‌حسینی در مقاله «تحلیل روانکاوانه شخصیت سلطان مسعود در تاریخ بیهقی» در مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، ۶-۴ شهریور ۱۳۹۴ به بررسی شخصیت سلطان مسعود از دید روانکاوی فروید و آدلر پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که مسعود غزنوی دارای شخصیتی منحصر به فرد و دوگانه و بیمارگون بوده است و مختصات رفتاری وی با نظریات روان‌شناسانی چون فروید و آدلر مطابقت دارد. رسول گُرد نوقابی و نساء کرمی، آرزو دلفان بیرانوند و نجمه نظری در «بررسی تطبیقی ویژگی‌های رفتار خردمندان در شخصیت زال براساس مدل سه‌بعدی خرد آردلت» در فصل‌نامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های ادبیات تطبیقی، دوره ۶، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷، صص ۳۰-۱ به بررسی جنبه‌های از نظر فردوسی پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که در نظر فردوسی، با توجه به بافت فرهنگی ایران، خردمندی سازه‌ای است که پنج بُعد معنوی، شناخت، تأملی، هیجانی،

اجتماعی و فرهنگی است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر در قالب رویکرد کیفی و براساس تحلیل محتوا و منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است. رویکرد کیفی، تلاشی است جهت توصیف غیرکمی از موقعیت‌ها و حوادث و کوششی است برای تفسیر مورد نظر انسان‌ها در موقعیت‌های طبیعی. در روش کیفی، مقولات فکری گروه مورد پژوهش برای توصیف نگرش‌ها و رفتارهایشان مورد بررسی قرار می‌گیرد و توجه به تجزیه و شرح آن از خصوصیات محوری پژوهش‌های کیفی است (ر.ک: احمدی، ۱۳۸۶: ۵). جامعه مورد نظر در این پژوهش کتاب تاریخ بیهقی و نمونه مورد بررسی عملکرد سلطان مسعود غزنوی، شاخص‌ترین شخصیت مطرح کتاب است. برای این پژوهش، ابتدا چند بار حکایت‌ها و حوادث تاریخ بیهقی که مسعود غزنوی در آن‌ها حضوری فعال دارد، مورد مطالعه و بازخوانی قرار گرفت. برای حصول اطمینان از اعتبار تجزیه و تحلیل نتایج، بعد از پیاده‌سازی اولیه، نخست کدگذاری تحلیل‌ها انجام و مؤلفه‌های استخراج شده، بررسی شد. کدگذاری در سه مرحله انجام گرفت: ۱- کدگذاری باز شامل مطالعه دقیق حکایت‌ها و استخراج جملات اصلی درباره کم‌خردی. ۲- کدگذاری محوری، شامل طبقه‌بندی داده‌ها بر مبنای ویژگی‌های شخصیتی سلطان مسعود غزنوی ۳- کدگذاری انتخابی (یکپارچه کردن مقولات برای ساخت نظری). در کدگذاری انتخابی تلاش شد، انتخاب مقوله‌ها به گونه‌ای صورت پذیرد که مقوله اصلی استخراج شده، مفاهیم عمده در مراحل قبل را در بر گیرد. برای مثال از ترکیب گدهای ضعف در بُعد اجتماعی و ضعف فرهنگی و ضعف هیجانی یک عنوان کلی ضعف در بُعد عاطفی شکل گرفت. ضعف در تفکر و آگاهی زیرمجموعه ضعف در بُعد شناختی واقع شد و از ترکیب گدهای ضعف در ادراک حقایق و ذهنیت‌گرایی و فرافکنی، عنوان کلی ضعف در بُعد تأملی حاصل شد که همگی از ابعاد کم‌خردی شناخته شدند.

مبانی تحقیق

خرد، خردمندی و خردمند واژه‌هایی آشنا برای مردم در اغلب فرهنگ‌هاست. مفهوم خردمندی در متون فلسفی، دینی و ادبی نظیر شاهنامه، گلستان و بوستان، کلیله و دمنه، تاریخ بیهقی، دیوان ناصر خسرو و... قدمتی دیرینه دارد. پیچیدگی مفهوم خرد براساس فرهنگ‌ها به این منجر شده که تاکنون تعریف جامعی از سوی نظریه‌پردازان بیان نشود. با این وجود، در این

زمینه که خردمندی مشتمل بر دانش شناختی، درک و بینش، تفکر تأملی، تلفیق دیدگاه فرد و منافع فرد در تعامل با منافع و رفاه دیگران است، نوعی توافق کلی وجود دارد. ادبیات ما مملو از حکایاتی است که رفتارهای خردمندان و بی‌خردان را به تصویر می‌کشد. خرد نیز مانند سایر مفاهیم روان‌شناسی از الگوهای نظری برخوردار است که از پژوهش‌های علمی برخاسته‌اند. مدل‌های علمی خرد و پژوهش‌های انجام گرفته در مورد ویژگی‌های خردمندان همگی بر وجود یک عامل شناختی و یک توازن فکری در همه خردمندان توافق دارند و ضعف و کاستی در هر یک از عوامل را منجر به رفتار بی‌خردانه می‌دانند.

یکی از شناخته شده‌ترین الگوهای نظری در حوزه خرد، مدل سه بعدی خرد است؛ این مدل توسط مونیکا آردلت و براساس پژوهش کلیتون بیرن تدوین شده است. خرد در این مدل به عنوان یک ویژگی شخصیتی تعریف می‌شود که در آن سه بُعد شناختی تأملی و عاطفی با یکدیگر یکپارچه شده‌اند. از نظر وی وجود هر سه بُعد برای خردمندی فرد الزامی است و تا زمانی که افراد دانش مرتبط با خردمندی را از طریق تأمل بر تجربیات شخصی به خردمندی تبدیل نکنند، این مفهوم به صورت یک دانش نظری باقی می‌ماند. دیدگاه سه بعدی آردلت با سنت‌های فلسفی و دینی شرقی که خردمندی را حاصل تلقیق ذهن و فضیلت در سطح شخصی می‌دانند سازگار است.

تاریخ بیهقی از جمله متون گرانبهایی است که به دلیل ماهیت و حوزه گسترده‌اش به تاریخی مستند و متنی خلاق بدل شده است و به همین دلیل از نظرگاه‌های مختلف روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و... قابل بررسی است. سرتاسر تاریخ بیهقی و حوادث آن پر است از اندرز و عبرت و سخنان خردمندانه. بیهقی در جای جای اثر خود، دارای نگاهی خردمندانه به هستی و اتفاقات آن است و همواره همنشینی با خردمندان را می‌ستاید و پادشاهان را از آن روی که ابزار قدرت را در اختیار دارند، از مصاحبت خردمندان بی‌نیاز نمی‌داند.

مسعود غزنوی یکی از مهمترین شخصیت‌هایی است که به عنوان شاه و شخص اوّل مملکت، در تمام وقایع و ماجراها حضور دارد. شخصیتی که بیهقی از مسعود ارائه می‌دهد، شخصیتی پیچیده، پرابهام و متناقض است. شخصیت مسعود در این کتاب، غرق تصاویر و تعابیر سخت پیچیده و گاه متضاد و متفاوت است. بیهقی گاهی استبداد و خودسری او را به طور مستقیم به عنوان ویژگی منفی و نابخردی‌های شخصیت او بیان می‌کند و گاهی با برشمردن مهارت‌های او

در جنگ، دبیری، مهندسی و... چهره‌ای مثبت از او به نمایش می‌گذارد. بیهقی علیرغم علاقه‌ای که به مخدوم خویش دارد، همواره از بی‌تدبیری‌ها و نابخردی‌ها و استبدادهای نااندیشیده‌ی سخن می‌گوید و اظهار نگرانی می‌کند. نتایج حاصل از تحلیل محتوا (جدول شماره ۱)، نشان می‌دهد، اولین نشانه کم‌خردی در عملکرد سلطان مسعود غزنوی، ضعف در بُعد شناختی است که دو زیرمؤلفه به نام ضعف در تفکر و آگاهی و ضعف در معنویت را دربر دارد. این یافته نشان می‌دهد که ضعف در بُعد شناختی از نظر بیهقی با بُعد شناختی مطرح شده از سوی آردلت همسو است، زیرا آردلت معتقد است که شناخت اساس خردمندی را تشکیل می‌دهد و همانطور که نیرومندی بُعد شناختی افراد را در مسیر خردمندی قرار می‌دهد، ضعف در این بُعد، زمینه کم‌خردی را ایجاد می‌کند و از آنجا که شناخت بر روی احساس و رفتار تأثیر نیرومندی دارد، اگر وضعی در نوع شناخت افراد ایجاد شود بالطبع احساسات منفی و رفتارهای به دور از هنجار رخ خواهد داد و تأملات و عواطف شخص را نیز، تحت تأثیر قرار می‌دهند.

بحث

براساس نتایج حاصل از تحلیل محتوا، مؤلفه‌های کم‌خردی در شخصیت سلطان مسعود غزنوی، ابتدا در قالب جدول ارائه و سپس به توضیح و تبیین هریک از موارد پرداخته می‌شود.

جدول شماره ۱- مؤلفه‌های کم‌خردی در شخصیت سلطان مسعود غزنوی

اندیشه و تفکر نکردن، تصمیم‌های نادرست گرفتن، ناتوانی در پیش‌بینی امور، بی‌توجهی به نظر و انگیزه دیگران، قضاوت‌های عجولانه و ناپخته، عدم درک عمیق پدیده‌ها، عدم استفاده از تجارب قبلی، عدم پای‌بندی به اصول، انتصاب عمال ظالم، بی‌قاعدگی در اداره امور	۱-۱ ضعف در تفکر و آگاهی	۱- ضعف در بُعد شناختی
ضعف در دین‌داری، بی‌توجهی به یزدان، تظاهر به انجام فرایض	۱-۲ ضعف در بُعد معنوی	
بررسی نکردن مسائل از زوایای گوناگون، بی‌خیالی نسبت به حوادث، بی‌اعتنایی به راه و رسم گذشتگان، سطحی بودن مشورت‌ها، مشورت با افراد نالایق، استبداد، بی‌اعتمادی به ارکان بلندپایه	۱-۲ ضعف در ادراک حقایق	۲- ضعف در بُعد تأملی

۱- خودرأی بودن، عدم توجه به نظرات دیگران، نپذیرفتن افکار جدید، دیگران را مقصر تصمیمات خود دانستن	۲-۲ ذهنیت‌گرایی و فرافکنی	
بی‌توجهی به نظر اطرافیان، استبداد وضع مالیات‌های سنگین، مورد غضب قرار دادن اطرافیان، دلسرد کردن افراد امین در اثر سوءظن‌های نابه‌جا، رعایت نکردن سلسله مراتب اجتماعی	۱-۳ ضعف در بُعد اجتماعی	۳-ضعف در بُعد عاطفی
فراموش کردن راه و رسم کشورداری، پای‌بند نبودن به ارزش‌ها، پیمان‌شکنی، توقیف دوستان، مال‌دوستی، عقده‌گشایی و انتقام‌جویی	۲-۳ ضعف فرهنگی	
خوشگذرانی‌های افراطی، علاقه به تجملات بیهوده، دهان‌بینی، چشم‌طمع داشتن به اموال دیگران، جاسوس‌نگاری و بی‌اعتمادی، برکشیدن مداحان و راندن حق‌گویان	۳-۳ ضعف اخلاقی	
جنگ‌طلبی، خشم و صدور فرمان در حال خشم، فروگیری معتمدان پدری، قدرت‌نمایی و نمایش قدرت، تصمیم‌گیری‌های عجولانه	۴-۳ ضعف هیجانی	

ضعف در بُعد شناختی

مدل‌های علمی خرد و پژوهش‌های انجام گرفته در مورد ویژگی‌های خردمندان همگی بر وجود یک عامل شناختی و یک توان فکری در همه خردمندان توافق دارند و ضعف در این بُعد را مصداق کم‌خردی می‌دانند. در مدل سه‌بُعدی خرد (آردلت ۲۰۰۳) یکی از ابعاد اصلی خرد، بُعد شناختی است. با دو زیرمؤلفه: ۱- ضعف در تفکر و آگاهی ۲- ضعف در بُعد معنوی و دینداری. آردلت در جدیدترین اظهارنظر خود درباره این بُعد گفته است: «بُعد شناختی توانایی درک دنیا و تمایل برای دانستن حقیقت است، فهم معنای اصلی و عمیق پدیده‌ها و رویدادها به ویژه در یک نگاه درون‌فردی و بین‌فردی. همچنین بُعد شناختی شامل برخوردارگی از دانشی است درباره جنبه‌های مثبت و منفی طبیعت انسان و پذیرش آن‌ها و اذعان داشتن به محدودیت ذاتی دانش و پیش‌بینی ناپذیری و عدم قطعیت زندگی» (کردنوقایی، ۱۳۹۶: ۳۰). وی توانایی

استفاده از دانش، مهارت‌ها و تجارب قبلی را برای حل مسائل از مصداق‌های خردمندی می‌داند و یکی از ویژگی‌های شناختی خردمندان را برخورداری از اصول می‌داند، خردمند برای زندگی خود از اصولی پیروی می‌کند که خود به آن‌ها رسیده است. این اصول می‌توانند از تجربیات شخصیت خود فرد استخراج شده باشند و یا از مشاهده دیگران یا مطالعه آثار آنان به دست آمده باشد و در این راستا از قضاوت‌های عجولانه و ناپخته پرهیز می‌کند و برای فهم عمیق پدیده‌ها سعی می‌کند علاوه بر نظر و انگیزه‌های خود، نظر و انگیزه‌های دیگران را هم مورد توجه قرار دهد و آن‌ها را به طور کامل بفهمد. اندیشه و تفکر نکردن، اتخاذ تصمیم‌های نادرست، ناتوانی در پیش‌بینی امور، قضاوت‌های عجولانه و ناپخته، بی‌توجهی به نظر و انگیزه دیگران، عدم استفاده از تجارب گذشتگان، عدم پایبندی به اصول، بی‌قاعدگی در امور و ... همگی نمادها و نشانه‌های کم‌خردی است و مسعود غزنوی آئینه تمام‌نمای این ویژگی‌هاست. بیهقی همواره از استبداد نااندیشیده و نسنجیده سلطان شکوه می‌نماید و پدرش محمود را خردمندتر و دوراندیش‌تر می‌بیند: «این خداوند به همت و جگر به خلاف پدر است، پدرش مردی بود خرو و دوراندیش ... و طبع این خداوند دیگر است که استبداد می‌کند نااندیشیده، ندانم عاقبت این کارها چون باشد» (بیهقی، ۱۳۷۱: ۶۲۷) و یا در گفتگویی که عبدالصمد وزیر با بونصر مشکان دارد، چنین می‌گوید: «می‌بینی این استبدادها و تدبیرهای خطا که این خداوند پیش گرفته است؟ ترسم که خراسان از دست ما بشود که هیچ دلایل اقبال نمی‌بینم» (بیهقی، ۱۳۷۱: ۸۹۰/۳). در جایی دیگر بیهقی می‌گوید: «این خداوند ما همه هنر است و مردی. اما استبدادی عظیم دارد که هنرها را می‌پوشد» (بیهقی، ۱۳۷۱: ۶۶۳). از دیگر ویژگی‌های خردمندان در بُعد شناختی، آن است که آن‌ها مشتاق هستند مسائل پیچیده را بفهمند و آن‌ها را به شکل عمیق تری درک کنند و با موضوعات به شکل سطحی برخورد نکنند (ر.ک: کرد نوقابی، ۱۳۹۶: ۳۳). ویژگی‌ای که در رفتار مسعود غزنوی مشاهده نمی‌شود. برای جلوگیری از اطاله کلام، تنها به حکایتی از بی‌خردی و بی‌خیالی‌های مسعود که شنیدنی است و عبرت‌گرفتنی، بسنده می‌شود: از هرات قصد ترکمانان می‌کند و در تعقیب طغرل سلجوقی است؛ بر پیل سوار است در حالی که خواب کافی نکرده و کمی هم تریاک خورده است. بدین سبب بر پیل به خواب می‌رود و «پیلبانان چون بدانستند زهره نداشتند پیل را به شتاب راندن و به گام خوش خوش می‌راندند و سلطان خفته بود تا نزدیک سحر و آن فرصت ضایع شد، که اگر آن خواب نبود،

سحرگاه بر سر طغرل بودی» (بیهقی، ۱۳۷۱: ۹۳۵). ضعف در دینداری و بی توجهی به یزدان نیز از زیرگروه‌های بُعد شناختی است. ضعف در دینداری و معنویت باعث می‌شود که افراد در برخورد با محرک‌های زندگی دچار لغزش شوند. ضعف در دینداری و بی توجهی به یزدان با خرد سازگار نیست چرا که دنیاخواهی بر فرد غلبه می‌کند و مانع از مهار خواهش‌های نفسانی وی می‌شود. بیهقی هیچ‌گاه در مورد ریاکار بودن مسعود نسبت به مسائل مذهبی حرفی نمی‌زند، اما با توصیف برخی از اعمال و رفتار او و نمایش تضاد فاحش در آن‌ها، به مخاطب نشان می‌دهد که مسعود هرگز مردی مذهبی نبوده است. و می‌توان چنین نتیجه گرفت که وی از دین و شعائر اسلامی جز انجام دادن برخی آداب مذهبی - آن هم در حد فهم و درک عامه مردم - که اکثراً با دیگر اعمال و رفتارشان متناقض می‌نموده، به چیزی معتقد نبوده است. بارها به نماز گزاردن او اشاره شده است و نیز در هنگامی که خلعت خلیفه عباسی را در نشابور در حضور رسول خلیفه بر تن می‌کند، مصلی می‌افکنند و سلطان دو رکعت نماز می‌خواند (ر.ک: همان ۵۳-۵۲). در ماه‌های رمضان معمولاً روزه می‌گیرد (ر.ک: همان ۷۱۹-۷۱۷) ولی مطلب قابل توجه آن است که روزه گرفتن و نماز گزاردن وی در بیشتر موارد همراه است با باده‌گساری‌های فراوان. برای نمونه: مسعود پس از شکست دندانقان و شکست آلتون‌تاش در بلخ از ترکمانان و دیدن ناکامی‌های بسیار، با عده‌ای از بزرگان درگاه، برای شراب خوردن به باغ پیروزی می‌رود تا بی‌تکلف شراب بخورند. در این مجلس، حاضران حداقل پنج ساتکین نیم منی و حداکثر هیجده ساتکین نیم منی شراب می‌خورند و تاب نمی‌آورند و از حضور امیر مرخص می‌شوند. ولی امیر پس از ایشان به باده‌گساری ادامه می‌دهند و مجموعاً در این مجلس بیست و هفت ساتکین نیم منی شراب می‌خورد. وی پس از خوردن این همه شراب «برخواست و آب و طشت خواست و مصلاهی نماز و دهان بشست و نماز پیشین بکرد و نماز دیگر و چنان می‌نمود که گفתי شراب نخورده است» (بیهقی، ۱۳۷۱: ۹۹۱). «مردی که در شراب خواری یگانه روزگار خود بوده است و همواره نشاط شراب می‌کرده و قطعاً یکی از علل مهم سقوط وی همین امر بوده است، یک بار که در بستر بیماری، بر جان خود بیمناک می‌گردد و ملک الموت را دو قدمی خود می‌بیند، از شراب خوردن توبه می‌کند که آن داستان هم شنیدنی است و توبه گرگ را به یاد می‌آورد. ماجرا از این قرار است: موقعی که مسعود در بُست به سر می‌برده است، به قصد گردش و تفریح بر کشتی‌ای در رودخانه هیرمند سوار می‌شود و به شرحی که در تاریخ

بیهقی آمده است در رودخانه می‌افتد. در حالی که چیزی نمانده است غرق شود. همراهانش نجاتش می‌دهند، پس از این حادثه مدتی بیمار می‌شود و در این بیماری نذر می‌کند اگر شفا یابد در هندوستان غزوی خواهد کرد. بهبود می‌یابد و در بدترین ایام سلطنتش که جان و مال و ناموس مردم خراسان در معرض تهدید جدی ترکمانان بوده است، قصد می‌کند برای ادای نذر به جانب هندوستان رود و قلعه هانسی را بگشاید. اعیان و ارکان دولت می‌کوشند او را از این کار در آن موقع بحرانی باز دارند، اما مسعود نمی‌پذیرد و به جانب هندوستان حرکت می‌کند. دراه، در جیلیم، بیمار می‌شود. چهارده روز بیماری‌اش طول می‌کشد و در این مدت بار نمی‌دهد و به کاری شگفت دست می‌زند یعنی از شراب خوردن توبه می‌کند و ناگهان به امر به معروف می‌پردازد. «فرمود تا هر شرابی که در شرابخانه برداشته بودند، در رود جیلیم ریختند و آلات ملاحی وی بشکستند،» و هیچکس را زهره نبود که شراب آشکارا خوردی که جنباشیان و محتسبان گماشته بود و این کار را سخت گرفته» ولی دوران خُم شکنی مسعود کوتاه مدت است او هم مانند همه مردم عوام که فقط به هنگام مصیبت‌ها به خدا می‌اندیشند تا از چنگال عزرائیل جان سالم به در می‌برد و قلعه هانسی را می‌گشاید، به جشن نوروز می‌نشیند و سخت بسزا شراب می‌کند (ر.ک: یادنامه بیهقی: ۵۴۴). ملاحظه می‌فرمایید که این شراب‌خواری‌های بی‌حساب و سپس دهان شستن و مصلاً افکندن و عدم توجه به نصیحت ناصحان فقط از آدم سطحی ساده‌لوح و کم‌خرد متوقع است.

ضعف در بُعد تأملی

دومین نشانه کم‌خردی ضعف در بُعد تأملی است که از دو زیرمؤلفه ضعف در ادراک حقایق و ذهنیت‌گرایی و فرافکنی تشکیل می‌شود. ضعف در بُعد تأملی از نظر بیهقی با نظر آردلت نیز همسوست زیرا آردلت بیان می‌کند «تقویت و نیرومندی بُعد تأملی برای خرمندی ضرورت دارد و هرگونه ضعف و فقر در بُعد تأملی باعث می‌شود که فرد در برخورد با پدیده‌ها و به طور کلی محرک‌ها خودرأی باشد و توانایی مشاهده پدیده‌ها را از زوایای مختلف از دست بدهد. علاوه بر این، این نوع ضعف مانع از این می‌شود که فرد به خودآگاهی و خودآزمایی دست یابد و از این رو ضعف و فقر در تأمل، نتیجه‌ای جز کم‌خردی نخواهد داشت» (رسول کرد نوقابی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۸). ضعف در بُعد تأملی دارای سه زیرمؤلفه: ۱- ضعف در ادراک حقایق ۲- ضعف در اخلاق ۳- ذهنیت‌گرایی و فرافکنی است. بُعد تأملی پیش‌نیاز بُعد شناختی است.

«رسیدن به درک عمیق‌تر از زندگی تنها از این طریق ممکن است که فرد واقعیت را همانطور که هست ببیند و تحریف عمده‌ای در آن ایجاد نکند. برای این کار فرد باید بتواند پدیده‌ها را از چشم‌اندازهای گوناگون ببیند و این باعث رشد خودآگاهی می‌شود به این معنا که بینش فرد را از خودش افزایش می‌دهد کسی که خود را بشناسد، نقاط ضعف و محدودیت‌های خود را هم درباره تفسیر واقعیت‌ها می‌شناسد. بنابراین درک می‌کند که ممکن است دیدگاه او تنها دیدگاه موجود نباشد و دیگران نظر متفاوتی داشته باشند. او چون خود را می‌شناسد، قادر است بین چشم‌انداز خود و دیگر چشم‌اندازها تمایز قائل شود. نتیجه چنین رشدی کاهش خودمحوری، ذهنیت‌گرایی، فراقنی و افزایش بینش فرد در مورد ماهیت واقعی پدیده‌ها و نیز درک انگیزه رفتارها در خود و دیگران خواهد بود» (گردنوقابی، ۱۳۹۶: ۶۴). عدم تأمل در امور ملاکی بسیار مهم برای کم‌خرد شناخته شدن فرد است زیرا زمانی که افراد از لحاظ تأملی به درستی عمل نمی‌کنند، در برخورد با مسائل و امور زندگی نمی‌توانند راه‌حل‌های گوناگون را در نظر بگیرند و در انتخاب مسیر به اشتباه می‌افتند. بررسی نکردن مسائل از زوایای گوناگون، بی‌خیالی نسبت به حوادث، سطحی بودن مشورت‌ها، مشورت با افراد نالایق، استبداد، بی‌اعتمادی به ارکان بلندپایه حکومت، بی‌قاعدگی در اداره امور و... از مشخصه‌های این زیرگروه می‌باشد. بیهقی علی‌رغم علاقه و ستایش نسبت به مخدوم خویش، هرگاه مجالی یافته به کاستی‌های کار مسعود اشاره کرده است. او در این مسیر به قاعده‌مند نبودن روش اداره امور و دخالت افراد ناکارآمد و نبود بینش و تخصص در زمان سلطان مسعود بارها اقرار می‌کند: «کارها بر قاعده نمی‌بینم. خداوند بس شنونده است و هر کسی زهره آن دارد که نه به اندازه و پایگاه خویش با وی سخن گوید» (بیهقی، ۱۳۸۳: ۱۰۹). در ماجرای حسنک وزیر از بی‌تدبیری و سطحی‌اندیشی و بی‌قاعدگی بودن رفتار سلطان آشکارا انتقاد می‌کند و خودکامگی و مشاوره نکردن با خردمندان و نتایج نامیمونش را بارها تذکر می‌دهد: «و کارهای ناندیشیده مکرر کرده بود در مدت نه سال و عاقبت اکنون پیدا آمد و طرفه تر آن بود که هم فرو نمی‌ایستاد از استبداد» (بیهقی، ۱۳۸۳: ۵۲۹).

ضعف در بُعد عاطفی

ضعف در بُعد عاطفی نیز با زیرمؤلفه‌های ضعف در روابط اجتماعی، ضعف فرهنگی، ضعف اخلاقی و ضعف هیجانی، از نظر بیهقی با نظریه آردلت همخوانی دارد. زیرا طبق نظر آردلت، بُعد عاطفی (عشق دلسوزانه) لازمه خردمندی است و تا زمانی که افراد در روابط اجتماعی،

مناسبات اخلاقی، پای‌بندی‌های فرهنگی و کنترل هیجانات توانایی لازم را از خود نشان ندهد، می‌توان عملکرد او را مصداق رفتارهای بی‌خردانه دانست. چنین افرادی در مواجهه با حوادث رفتارهای افراطی یا تفریطی بروز می‌دهند و براساس آن نمی‌توانند با رویدادها به شیوه مناسب برخورد کنند و با تفسیری نامناسب و سطحی با رویدادهای گوناگون و به طور کلی تجربه‌های مختلف زندگی روبه‌رو شوند و در نهایت عملکرد آن‌ها در مسیر کم‌خردی قرار گیرد. «کاهش خودمحوری و درک بهتر رفتار مردم منجر به بهبود هیجانات و طرز برخورد فرد با دیگران می‌شود و همدلی و شفقت را بیشتر می‌کند. بُعد عاطفی شامل وجود هیجانات مثبت نسبت به دیگران و رفتارهای دلسوزانه و همدلانه با آن‌ها و نیز عدم بی‌تفاوتی و نداشتن هیجانات و رفتارهای منفی نسبت به دیگران است. خردمند ضمن اینکه با کسی سر جنگ ندارد نسبت به دیگران و زندگی و درد و رنجشان بی‌تفاوت نیست» (گردنوقابی، ۱۳۹۶: ۶۴). ضعف در بُعد عاطفی از نشانه‌های کم‌خردی است که شامل چهار زیرمؤلفه ۱- ضعف در بُعد اجتماعی ۲- ضعف فرهنگی، ۳- ضعف هیجانی و ۴- ضعف در اخلاق است. استبداد و بی‌توجهی به نظر اطرافیان، مشورت نکردن، دلسرد کردن افراد امین، سوءظن‌های نابه‌جا، مورد غضب قرار گرفتن اطرافیان، فراموش کردن راه و رسم کشورداری، پای‌بند نبودن به ارزش‌ها، پیمان‌شکنی، عقده‌گشایی و انتقام‌جویی، خشم و صدور فرامین در حال خشم، جنگ‌طلبی، فروگرفتن معتمدان پدری و ... همگی از نشانه‌های کم‌خردی است. بیهقی، در ذکر حوادث سال ۴۲۶ و شکست حاجب بگتغدی، از قول وزیر به سلطان می‌گوید: «ناصواب بود لشکر فرستادن و در این ابواب بونصر گواه من است که با وی گفته بودم، اما چون خداوند ضجر شد و هر کسی سخنی نااندیشیده می‌گفت جز خاموشی روی نبود» (بیهقی، ۱۳۷۱: ۷۱۲). در این اوضاع است که دست و دل کسی به کار نمی‌رود و وقتی بونصر مشکان پیام محبت‌آمیز سلطان را به خواجه احمد وزیر- که تقریباً همیشه مورد سوءظن سلطان بوده است، در حالی که همواره مشفقانه و خیرخواهانه اقدام می‌کرده است-ابلاغ می‌کند، وزیر به او می‌گوید: «بدانچه بر من بدگمان می‌باشد و من ترسان، خاطر و دست از کار بشده ... چگونه در مهمات سخن تواند گفت» (بیهقی، ۱۳۷۱: ۷۰۳). لازمه خردمندی زندگی هوشیارانه است پرواضح است که خوشگذرانی‌های افراطی، علاقه به تجملات بیهوده، دهان‌بینی، چشم‌طمع داشتن به اموال دیگران، جاسوس‌انگاری و بی‌اعتمادی، برکشیدن مداحان و راندن حق‌گویان و ... از رفتارهایی

هستند که همواره خطوط اصلی و شخصیت ثابت مسعود را شکل داده‌اند و در اکثر حوادث تاریخ بیهقی توجه خواننده را به خود جلب می‌کند. سلطان حتی در بحبوحه گرفتاری‌ها شراب می‌خورد و هنگامی که خبری از پیروزی‌ها می‌رسد باز همچنان به شراب می‌نشیند (ر.ک: بیهقی، ۱۳۷۱: ۷۰۶). امیر از طبرستان شکست خورده و ناکام به سوی خراسان باز می‌گردد در حالی که آنچه در پشت سر گذاشته ویرانی و قتل و غارت و ظلم و بیدادگری است. بیهقی در این باب می‌گوید «قیامت را مانست» ولی در این وضع، باز مسعود به نشاط شراب مشغول می‌شود (ر.ک:

یادنامه بیهقی، ۵۵۲) و با بی‌توجهی‌ای غیرقابل باور با حوادث مواجه می‌شود.

ضعف اجتماعی و فرهنگی نیز، الهام‌بخش احساسات و رفتارهایی است که در آن‌ها عقل و منطق جایی ندارد، پای‌بند نبودن به ارزش‌ها، پیمان‌شکنی، عقده‌گشایی و انتقام‌جویی، مشورت‌های سطحی و بی‌نتیجه، تحمیل مالیات‌های سنگین و... نمادها و نشانه‌های کم‌خردی است و رفتار مسعود آئینه تمام‌نمای این ویژگی‌هاست. بیهقی حوادثی را به یاد می‌آورد که در آن‌ها زمانی که حکومت نیاز به حمایت دارد، بدون پشتیبانی می‌ماند. «به یک دفعه سیصد و هفتاد غلام با علامت‌های شیر بگشتند و به ترکمانان پیوستند... و اگر این پادشاه را آن روز هزار سوار نیک دست‌یاری دادندی آن کار را فرو گرفتی و لکن ندادند» (بیهقی، ۱۳۸۳: ۵۸۸).

شکست‌های پیاپی و از دست دادن خراسان، ری، جبال و خوارزم و سرانجام هزیمت دندانقان از ترکمانان و آنگاه عزیمت مذلت‌بار و بی‌بازگشت به هندوستان همگی نتایج رفتار نابخردانه ناشی از ضعف اخلاقی و فرهنگی است. یکی دیگر از عواملی که در کم‌خردی افراد نقش مؤثری دارد ناتوانی در تنظیم هیجانات مانند خشم، شادی، اندوه و ترس است که افراد را از حوزه خرد دور می‌کند؛ صدور فرمان در حال خشم، جنگ‌طلبی، قدرت‌نمایی و نمایش قدرت، فرو گرفتن معتمدان پدری، قفا درانیدن (بی‌آبرو کردن)، به دام انداختن و به بند کشیدن نزدیکان سالاران، حامیان و معتمدان دولت، بی‌تردید در تضعیف روحیه و بی‌اعتمادی دولتمردان تأثیرگذار بوده است. توسل به خشونت برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم و سپاه به منظور مطیع و منظم گرداندن آن‌ها، چیزهایی که بیهقی بارها از آن به «حشمت افکندن» تعبیر کرده است، به کرات در رفتار مسعود مشاهده می‌شود، در ماجرای حمله به آمل وقتی سلطان به نزدیکی گرگان می‌رسد، دستور می‌دهد یکی از لشکریان را که گوسفندی از رعیت سنده بود، از دروازه شهر گرگان بیاویزند تا «بدین سبب حشمتی بزرگ افتاد» (بیهقی، ۱۳۷۱: ۶۷۳). در تاریخ

بیهقی قرائن و شواهدی وجود دارد که ثابت می‌کند هدف مسعود از این کار صرفاً زهر چشم گرفتن از سپاهیان به منظور مطیع و منظم گرداندن آنان بوده است، نه دلسوزی نسبت به رعایا؛ زیرا در طول حکومت مسعود، بارها «سپاهیانش به فرمان وی، به غارت رعایای مسلمانان می‌پرداختند؛ غارت وحشیانه آمل، هرات و نواحی آن از نمونه‌های آن است (ر.ک: متینی، ۱۳۸۶: ۵۵۷).

نتیجه‌گیری

با بررسی دیدگاه آردلت در مورد خردمندی، و التزام وی به سه بُعد شناختی، تأملی و عاطفی و اینکه هر یک از این ابعاد باید وجود داشته باشد تا فرد خردمند در نظر گرفته شود، می‌توان بیان کرد که هرگونه خلأ و ضعف در هر یک از این ابعاد، انسان را در مسیر بی‌خردی قرار می‌دهد؛ پیامد این بی‌خردی‌ها تنها خود فرد عامل را درگیر می‌کند بلکه زمینه تباهی جامعه را نیز فراهم می‌کند. بیهقی دوشادوش بحث حوادث مهم تاریخی، از مسائل اجتماعی و عناصر مؤثر در اجتماع آن عصر، از دیوان و دربار و آیین‌های فرمانروایی از مقامات و مناصب، از دودستگی‌ها و کارشکنی‌ها و خصومت‌ها، از نظامات و رسوم و عقاید و عادات سخن می‌گوید و علی‌رغم علاقه خاصی که به سلطان مسعود دارد، شخصیتی که از او ارائه می‌دهد، پیچیده، پرابهام و متناقض است؛ شخصیتی غرق تصاویر و تعابیر سخت پیچیده و گاه متضاد و متفاوت. بیهقی فراتر از زمان خود، دیدی جامع به مفهوم خرد و خردمندی داشته است. می‌توان وی را یکی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان خردگرایی در ایران سده پنجم دانست به گونه‌ای که قرن‌ها پیش از عصر روشنگری و خردگرایی در سده هفدهم و هیجدهم و سال‌ها قبل از آنکه فیلسوفانی چون ولتر، روسو و دکارت منادی جنبش خردگرایی در دوران رنسانس گردند، سردمدار تفکر خردگرایی و عملکرد خردمندانه بوده است و با نشان دادن مصادیق بی‌خردی در شخصیت‌های مختلف تاریخ سترگش و از جمله مسعود غزنوی، پیامدهای ناشی از بی‌خردی را در جامعه آن زمان به تصویر کشیده است. با بررسی رفتارها و عملکرد این شخصیت‌هاست که می‌توان به نگاه چندبعدی بیهقی به مفهوم خردمندی و انطباق آن با نظریه خرد سه‌بعدی آردلت پی برد. رفتارهایی را که بیهقی از سلطان خود برجسته ساخته و مورد انتقاد قرار داده است، هرگاه طبقه‌بندی و جداسازی شوند، به خوبی نمایاننده مصداق‌هایی برای ضعف در بُعد

شناختی، بعد تأملی و بعد عاطفی مطرح شده در نظریه‌های جدی روان‌شناسی و از جمله نظریه مذکور است.

منابع

کتاب‌ها

- احمدی، علی، سعید نهایی، وحید (۱۳۸۶) توصیفی جامع از روش‌های تحقیق (پارادایم‌ها، استراتژی‌ها، طرح‌ها، رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی)، تهران: تولید دانش.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۸۳) تاریخ بیهقی، تصحیح علی اکبر فیاض، به اهتمام محمد جعفر یاحقی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- بیهقی، ابوالفضل (۱۳۷۱) تاریخ بیهقی، به اهتمام دکتر خلیل خطیب رهبر، چاپ ۲، تهران: انتشارات مهتاب.
- تاکن، باربارا (۱۳۹۲) تاریخ بی‌خردی از تروآ تا ویتنام، ترجمه حسن کامشاد، تهران: کارنامه.
- دبیر سیاقی، محمد (۱۳۶۹) گزیده تاریخ بیهقی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های حبیبی.
- صفا، ذبیح‌الله... (۱۳۶۹) حماسه‌سرایی در ایران، جلد ۵، تهران: امیرکبیر.
- گردنوقابی، رسول (۱۳۹۶) روان‌شناسی خرد، تهران: انتشارات ارجمند.
- کاکاوند، رشید (۱۳۸۸) شعور قلم، تهران: نشر ققنوس.
- متینی، جلال (۱۳۸۶) سیمای مسعود غزنوی در تاریخ بیهقی، یادنامه ابوالفضل بیهقی به کوشش محمد جعفر یاحقی، چاپ ۳، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۸۰) دیداری با اهل قلم، تهران: انتشارات علمی.
- یاحقی، محمد جعفر (۱۳۵۰) یادنامه ابوالفضل بیهقی، چاپ ۳، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

مقالات

- اسعدی، سمانه. (۱۳۹۴). ویژگی‌های افراد خردمند بر پایه نظریه‌های ضمنی: با نگاهی بر تفاوت گروه‌های سنی و جنسیتی. پژوهش‌نامه روان‌شناسی مثبت، (۱ (پیاپی ۱)، ۶۶-۵۱.
- اسعدی، سمانه، امیری، شعله، مولوی، حسین. (۱۳۹۴). تحول خردمندی از دوره نوجوانی تا سالمندی. مجله روان‌شناسی، ۱۹ (پیاپی ۷۳)، ۳۷-۵۲.

کرد نوقابی، رسول، کرمی، نساء، دلفان بیرانوند، آرزو، نظری، نجمه. (۱۳۹۷). مؤلفه‌های کم‌خردی از نظر فردوسی براساس شخصیت کیکاووس. فصلنامه علمی - پژوهشی ادبیات تطبیقی، ۶(۳)، ۱۳۱-۱۵۲.

منشادی، مرتضی، اطهری، حسین. (۱۳۹۴). چگونگی عروج و افول حکومت در تاریخ بیهقی. فصلنامه سیاست، ۴۵(۱)، ۱۸۴-۱۶۱.

منابع لاتین

Ardelt, M. (2003). Development and empirical assessment of a three -dimensional wisdom scale. *Research on Aging* , 25, 275-324.

Ardelt, M. (2011) .The measurement of wisdom: A commentary on Taylor, Bates, and Webster's com-parison of the SAWS and 3D-WS. *Experiment Aging Research*, 37(2), 241-255.

Webster, J.D. (2007). Measuring The Character Strength of Wisdom. *Iternation of Aging and Human Development*, 65(2), 163-183.

References

Books

Ahmadi, Ali, Saeed Nahayi, Vahid (2007) *A comprehensive description of research methods (paradigms, strategies, plans, quantitative, qualitative and hybrid approaches)*, Tehran: Knowledge Production.

Bayhaqi, Abolfazl (2004) *History of Bayhaqi*, edited by Ali Akbar Fayyaz, by Mohammad Jafar Yahaghi, Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad.

Beyhaqi, Abolfazl (1992) *History of Bayhaqi*, by Dr. Khalil Khatib Rahbar, 2nd edition, Tehran: Mahtab Publications.

Dabir Siyaghi, Mohammad (1990) *Excerpts from the history of Bayhaqi*, Tehran: Habibi Books Company.

Kakavand, Rashid (2009) *Pen Consciousness*, Tehran: Phoenix Publishing.

Kurd Noghabi, Rasoul (2017) *Micro Psychology*, Tehran: Arjmand Publications.

Matini, Jalal (2007) *Masoud Ghaznavi's image in the history of Beyhaqi*, Abolfazl Beyhaqi's memoir by Mohammad Jafar Yahaghi, 3rd edition, Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad Press.

Safa, Zabih Allah (1990) *Epic in Iran*, Volume 5, Tehran: Amirkabir.

Tuckman, Barbara (2013) *The History of Stupidity from Troy to Vietnam*, translated by Hassan Kamshad, Tehran: Karnameh.

Yahaghi, Mohammad Jafar (1971) *Memoirs of Abolfazl Bayhaqi*, 3rd edition, Mashhad: Ferdowsi University Press.

Yousefi, Gholam Hossein (2001) *A meeting with the writers*, Tehran: Scientific Publications.

Articles

Asadi, Samaneh, Amiri, Sholeh, Rumi, Hossein. (2015). Transformation of

Wisdom from Adolescence to Old Age. *Journal of Psychology*, 19 (consecutive 73), 37-52.

Asadi, Samaneh. (2015). Characteristics of Wise People Based on Implicit
Kurd Noghabi, Rasoul, Karami, Nisa, Delfan Biranvand, Arezoo, Nazari, Najmeh.
(2018). According to Ferdowsi, the components of irrationality are based on the
character of Kikavous. *Journal of Comparative Literature*, 6 (3), 131-152.

Manshadi, Morteza, Athari, Hossein. (2015). How the rise and fall of government
in the history of Bayhaqi. *Quarterly Journal of Politics*, 45 (1), 184-161.

Theories: A Look at the Differences Between Age and Gender Groups. *Journal of
Positive Psychology*, 1 (consecutive 1), 66-51.

Latin References

Ardelt, M. (2003). Development and empirical assessment of a three -dimensional
wisdom scale. *Research on Aging* , 25, 275-324.

Ardelt, M. (2011) .The measurement of wisdom: A commentary on Taylor, Bates,
and Webster's com-parison of the SAWS and 3D-WS. *Experiment Aging Research*,
37(2), 241-255.

Webster, J.D. (2007). Measuring The Character Strength of Wisdom. *Iternation of
Aging and Human Development*, 65(2), 163-183.



Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts
(Dehkhoda)

Volume 14, Number 52, Summer2022, pp.70-89

Date of receipt: 14/4/2020, Date of acceptance: 12/7/2020

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2022.692014](https://doi.org/10.30495/dk.2022.692014)

The Components of Imprudence in the Character of Sultan Masood Ghaznavi Based on Ardel't's Three-dimensional Model of Wisdom

Marzieh Mashalia¹, Dr. Leila Hashemian²

Abstract

There is a growing tendency in psychology towards the study of wisdom. All the scientific models of wisdom so far developed for the notion of wisdom agree on the fact that wise people are characterized by certain cognitive features which are governed by an intellectual equilibrium. If this equilibrium is disturbed, unwise behavior will result. Despite the fact that the notion of wisdom is well-known in all cultures, albeit variously conceived, we still observe many people who adopt unwise attitudes to different political, social, and psychological issues and harm both themselves and their society. Unfortunately, human history has seen many imprudent leaders and states who have proved incapable of governing their nations. The present study seeks to investigate the character of Sultan Masood Ghaznavi as represented in Tarikh-e Beihaghi [Beihaghi's History] based on Ardel't's three-dimensional model of wisdom (3D-WS). The research method is qualitative and the population consists of the characters of Tarikh-e Beihaghi, from which Sultan Masood was selected through purposeful sampling.

Keywords: theories of wisdom, imprudence, Ardel't's three-dimensional model of wisdom, Tarikh-e Beihaghi, Sultan Masood Ghaznavi.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

¹ .PhD student in Persian language and literature, Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran. mmashalia@yahoo.com

² . Associate Professor of Persian Language and Literature, Bu Ali Sina University, Hamadan, Iran. (Corresponding author). dr_hashemian@yahoo.com